

زمین چه شکلی دارد؟



زمین چه شکلی دارد؟

اگر نویسندگان کتاب مقدس بر دیدگاه های رایج علمی روزگار خود صحه می گذاشتند، نتیجه کارشان کتابی بود مملو از مطالب نادرست علمی. اما این نویسندگان، تصورات غیرعلمی و غلطی را تبلیغ نمی کردند. بلکه بر عکس، مطالبی را ذکر کرده اند که نه تنها از لحاظ علمی صحیح هستند، بلکه با عقاید رایج روزگار آنان کاملاً متضاد بود.

نگرش های دوران باستان درباره شکل سیاره زمین

در دوران باستان این دیدگاه رایج بود که "زمین" مسطح است. برای مثال، بابلی ها معتقد بودند که عالم مانند جعبه یا اتاقکی است که "زمین" کف آن است. کاهنان ودایی هندوستان تصور می کردند "زمین" مسطح می باشد که فقط یک طرف آن قابل سکونت است! ساکنان آسیا در روزگار باستان، "زمین" را همچون یک سینی بزرگ تصور می کردند.

فرضیه فیثاغورث (فیلسوف یونانی در قرن ششم قبل از میلاد) آن بود که چون ماه و خورشید کروی هستند، پس زمین نیز باید کروی باشد. ارسطو در قرن چهارم قبل از میلاد، با این فرضیه موافق بود. او شرح داد که کروی بودن شکل زمین را می توان به کمک خسوف ثابت کرد: سایه زمین بر روی ماه منحنی است.

اما با طلوع عصر فضا در قرن بیستم بود که بشر توانست آنقدر از زمین دور شود که بتواند با چشم خود، کروی بودن سیاره زمین را مشاهده کند. با این توصیف، هزاران سال قبل، هنگامی که نظر عموم بر آن بود که زمین مسطح است و قرن ها قبل از آن که فیلسوف های یونانی فرضیه کروی بودن "زمین" را مطرح سازند، اشعیا نبی به زبان ساده نوشت: "خداوند بر کره زمین نشسته است" (اشعیا فصل ۴۰ آیه ۲۲).

اشعیا نبی از مطرح کردن افسانه های متداول در مورد زمین خودداری کرد و مطلبی را به قلم آورد که پیشرفت اکتشافات علمی خدشه ای به صحت آن وارد نیاورد. هزاران سال پیش از آن که بشر کروی بودن زمین را از فضا مشاهده کند، کتاب مقدس به "کره زمین" اشاره کرد.

چه چیزی زمین را در فضا نگه داشته است؟

از دوران کهن، بشر این سئوالات را از خود می پرسید: "زمین بر چه چیزی تکیه دارد؟ چه چیزی خورشید، ماه و ستارگان را در فضا نگه داشته است؟ آن ها از

قانون جاذبه عمومی که آیزاک نیوتن در سال ۱۶۸۷ تدوین کرد، آگاهی نداشتند. تصور عمومی در دوران باستان آن بود که اجسام یا عناصری، زمین و اجرام سماوی را در فضا نگه داشته اند.

مثلا هندوها تصور می کردند که زمین دارای ستون های گوناگون است که بر روی یکدیگر قرار دارند! ارسطو این فرضیه را مطرح کرد که زمین کروی است، اما منکر آن شد که در فضای خالی معلق است. او معتقد بود که خورشید، ماه و ستارگان همگی بر سطح گوی هایی جامد و شفاف قرار دارند. این گوی ها در درون یکدیگر قرار دارند. هنگامی که گوی ها در دورن یکدیگر می چرخند، اجرامی که روی آن ها قرار دارند یعنی خورشید، ماه و ستارگان در آسمان به حرکت درمی آیند. اما زمین به طور بی حرکت در مرکز آن ها قرار دارد!

با اختراع تلسکوپ، فرضیه ارسطو مورد تردید قرار گرفت، تا این که آیزاک نیوتن توضیح داد سیارات در فضای خالی معلق هستند و نیرویی نامرئی به نام "نیروی جاذبه" آن ها را در مدارهای شان نگاه داشته است.

اما کتاب مقدس در این مورد چه می گوید؟

حدود ۳۵۰۰ سال قبل، ایوب که هم زمان با ابراهیم، اسحاق و یعقوب زندگی می کرد، با الهام از روح القدس به دوستانش چنین گفت: "خدا آسمان را بر بالای فضای خالی گسترانیده و زمین را بر نیستی معلق ساخته است" (ایوب فصل ۲۶ آیه ۷). نگرش مردم باستان به هیچ وجه با این سخن که سیاره ای "بالای فضای خالی" آویزان است، تطابق نداشت. با این توصیف، نگرش کتاب مقدس بسیار پیشروتر از روزگار باستان بود.